



**دست به دست هم
با وجود اختلاف سلیقه**

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار رئیس جمهور با مدیران مسئول رسانه‌ها گفت: «در جامعه رسانه‌ای در مورد موضوعات اصلی و مهم بین بخش‌های مختلف این جامعه متنوع، وحدت و همبستگی بالایی را شاهد هستیم.» ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت، اسماعیلی با تأکید بر این نکته افزود: «در طول ماه‌های اخیر در مورد موضوع غزه، همه اهالی رسانه پای کار آمدند و در جلسات متعدد در خصوص تولید محتوا انصافاً همه رسانه‌های ایرانی با همه قوت پای کار بودند.» او درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز تصریح کرد: «با وجود اختلاف سلیقه‌هایی که طبیعی هم هست، در مورد اصل انتخابات همه رسانه‌های ما متفق بودند؛ چرا که برای منافع ملی همه باید دست به دست هم بدهند.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین اشاره کرد: «اهتمام و دستور رئیس جمهور برای حمایت از جریان رسانه‌های همواره مورد تأکید است و به‌غم همه مشکلات تلاش می‌کنیم که بتوانیم بخشی از این مشکلات را حل کنیم.»



**ژولیت بینوش
رئیس آکادمی فیلم اروپا**

ژولیت بینوش، بازیگر فرانسوی برنده اسکار جانشین فیلمساز لهستانی - آگنیشکا هالند، در مقام رئیس آکادمی فیلم اروپا می‌شود. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از وراثتی نوشت، مایک داوینی، رئیس هیئت‌مدیره آکادمی در بیانیه‌ای اعلام کرد که به خواست آگنیشکا هالند، احترام می‌گذارند و درک می‌کنند که داشتن مسئولیت‌هایی در کنار فیلم‌سازی هر چند الهام‌بخش و مهم است اما گاه می‌تواند مانع خلق هنری شود. ژولیت بینوش که سال‌ها عضو فعال آکادمی فیلم اروپا بوده است، پس از تأیید رسمی نامزدی‌اش برای ریاست توسط اکثریت اعضای آکادمی، این سمت را از اول ماه مه برعهده می‌گیرد. او با جدیدترین فیلمش با عنوان «طعم چیزها»، در جشنواره کن در بخش رقابتی حضور داشت و فیلم جایزه بهترین کارگردانی را برای «تران آن هونگ» دریافت کرد. این فیلم نماینده فرانسه در اسکار بود. این بازیگر در سریال کوتاه «نگاه جدید» برای ایل تی‌وی پلاس در نقش کوکو شانل، در کنار بن مندلسون بازی کرده است.



برنده اسکار در «انواع مهربانی»

«انواع مهربانی» نام فیلم بعدی یورگوس لانتیموس است که بار دیگر با بازی اما استون ساخته شده و گفته شده است که تابستان پیش‌رو راهی سینماها می‌شود. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از وراثتی نوشت، سرچ لایت - استودیوی مستقلی که فیلم را توزیع می‌کند - تاریخ اکران این فیلم را ۲۱ ژوئن (یکم تیرماه) اعلام کرد. «انواع مهربانی» پنجمین همکاری بین اما استون و یورگوس لانتیموس است که جدیدترین فیلم‌شان «بیچارگان»، یک کمدی فانتزی به سبک فرانکشتاین، دومین اسکار بهترین بازیگر زن را برای استون به ارمغان آورد. «بیچارگان» در مجموع برنده ۴ جایزه اسکار از جمله تولید و طراحی صحنه و لباس شد. در این فیلم، استون در نقش زنی بازی کرده که خودکشی می‌کند و با مغز نوزاد متولدشده‌اش به زندگی بازگردانده می‌شود. «بیچارگان» اکنون در حال اکران در سینماهای جهان است و تاکنون بیش از ۱۰۰ میلیون دلار فروش کرده است.

صد سال دیگر... بر سر سفره نوروز

شاید تنها رسالت ما باور داشتن به امیدی باشد که به ما اجازه ندهد دست‌های مان را پایین بیاوریم



ناصر فکوهی
مردم‌شناس

نوروز می‌آید و همه در انتظارش هستند. هر سال. سال‌های خوب و سال‌های بد. در شادی و در غم. نوروز می‌آید و همه هم‌داستانند که درنگی کنند، بر سر سفره‌ای بنشینند. با یکدیگر بهتر باشند و با زندگی

آشتی کنند؛ به‌ویژه با زندگی «دیگران». آن‌ها که هر روز سهم‌شان از زندگی، از زیبایی‌ها، از خواست‌ها و آرزوهای‌شان، کمتر می‌شود؛ آنهایی که گاه به جایی می‌رسند که دیگر احساس می‌کنند حتی نمی‌توانند نفس بکشند. از زمین وزمان بیزارند و آرزوی می‌کنند شاید اگر هرگز روی این زندگی را نمی‌دیدند، با آسمان و خاک و درختان و آب‌ها و حتی با خود این انسان‌هایی که برای زندگی چنین شتابان به پیش می‌تازند، تا به این اندازه، درگیر نبودند که آرزوی «نبودن» کنند. وقتی زندگی با واژگانی چون «رفتن»، «نماندن»، «گم‌شدن»، «سستی»، «بیدلی» و «سردرگمی» و صدها واژه دیگر از این دست آکنده می‌شود،

خانه‌ای نو اندر سرای کهن

نوروز الگوی خوبی برای انسان‌هاست تا خیر و شر را در کنار هم ببینند



شجاع احمدوند
دانشیار علوم سیاسی
دانشگاه علامه طباطبائی

در مورد نوروز به‌عنوان باستانی‌ترین نماد تغییر و تحول ایرانی و فلسفه آن مباحث متعددی صورت گرفته و اندیشمندان از زوایای مختلفی فلسفه آن را کاویده‌اند. برخی آن را جشنی با رنگ و بویی ویژه، نماد هویت ایرانی می‌دانند و خصلت اصلی این هویت را طبیعت‌گرایی، احترام به محیط‌زیست و حتی تکیه بر این سنت به‌سان امری باستانی دانسته و خود را از این زاویه با دیگران مرزگذاری می‌کنند. بدین‌سان نوروز را شروع رستاخیز طبیعت، موعد رویش و تولد نباتات دانسته، برآنند که انسان، جامعه و حتی سیاست نیز همگام با طبیعت، روزگار خود را نو و تازه کرده و با نوروز تغییری محسوس در سبک زندگی فردی، جمعی و حتی سیاسی آغاز می‌شود. گروهی دیگر آن را نماد پیوند اقوام و گروه‌های ایرانی می‌دانند. این گروه با توسعه نگاه خود به بیرون از مرزهای ایران، همه مللی را که جشن نوروز را برگزار کرده زیر پرچم واحدی گرد می‌آورند و از آنها با عنوان اهالی «تمدن نوروز» با محوریت دولت‌ها و ملت‌های بزرگ‌دارنده نوروز یاد می‌کنند. نوشته حاضر از زاویه دیگری جشن نوروز را نماد واقع‌گرایی ایرانی می‌داند و بر آن است که نوروز با فهم الیهات شر و تکیه بر وجودی بودن آن جهان را آوردگاه دو نیروی خیر و شر می‌داند و به‌جای توجه به آرمان‌گرایی‌های مخرب مانند آرمانگرایی‌های قرن بیستم که خسارت‌های عجیب و جبران‌ناپذیری بر بشریت وارد کرده‌اند، نوروز را توقف‌گاه موقت نیروی شر دانسته و از آن رو حلول اش را جشن می‌گیرند. اما زوال طبیعی جامعه دوباره

**نوروز در نقطه مقابل
آرمانگرایی‌های
بی‌ارتباط با واقعیت
که می‌خواهند
انسان‌ها را رستگار
کنند اما خشن‌ترین
ظلم‌ها را به آنها
می‌کنند و حتی
جان‌شان را نیز
می‌گیرند، می‌کوشد
تا نشان دهد که
پیوند خیر و شر
امری واقعی است.
کنار نهادن شر و
وعده دادن جهانی
سراسر خیر، آرمان یا
سرابی بیش نیست.
نوروز مهمترین نشانه
هستی در این زمین
است**

مجال بروز و ظهور شر را فراهم می‌کند تا در فرصتی یک‌ساله دوباره به تدریج مهاری موقت بر شر زده شود و جامعه نو شود. این نوشتن‌ها در واقع ایستگاه‌های توقف شر و اولویت خیر و حرکت دوباره شر در تاریخ است. در ادامه ابعادی از این مسئله را باز می‌کنیم.

۲ حکیم عمر خیام در کتاب «نوروزنامه» نگاهی عمیق به فلسفه نوروز دارد. او درباره سبب بنیان نهادن نوروز به گردش سالانه آفتاب اشاره کرده و معتقد است در هر ۳۶۵ روز و ربعی از شبانه‌روز، سال نو می‌شود و چون جمشید پادشاه اسطوره‌ای به این تحول آگاهی یافت آن را «نوروز» نام گذارد و البته جشنی آیینی نیز برای آن برگزار کرد و دیگر مردمان نیز به او اقتدا کردند. بعد از او کیومرث نخستین پادشاه ایرانی به اقتضای جمشید نوروز را «مبدأ تاریخ» قرار داد و موبدان ایران را مکلف کرد که نوروز را از این جهت به رسمیت شناسند. خیام در اینجا نظریه موبدان عجم را که دانایان روزگار خود بودند، مبنای اصلی فلسفه نوروز می‌داند. از دید موبدان ایزد تعالی ۱۲ فرشته آفریده است که چهار فرشته مسئول حفاظت از آسمان در برابر اهریمنان است؛ چهار فرشته مسئول حراست از جهان در برابر نفوذ اهریمنان و ممانعت از گذر آنها از کوه قاف؛ چهار فرشته نیز مسئول گشت‌زنی در زمین و آسمان برای شناسایی اهریمنان و ممانعت از آسیب‌رساندن آنهاست. خیام در ادامه بحث می‌کند که این دنیای دور از اهریمنان در برابر دنیای محاط در اهریمنان «خانه‌ای است نو اندر سرای کهن» و به این ترتیب، گویی فلسفه نوروز دورسازی اهریمن از جهان هستی است و ولو به طور موقت.

۳ محققان امروزی در حوزه الیهات سیاسی (کسانی چون ویلم استایف‌هالس، نویسنده کتاب بروت معنوی جهان) مباحث مستوفایی را درباره خیر و شر طرح کرده و برآنند که شر بخش وجودی هستی است و چه‌بسا تأثیر آن در سرنوشت انسان‌ها فراتر از خیر

گویی دیگر پایانی بر هیچ اندوه و غمی وجود ندارد. گویی باید تنها نشست تا همه چیز تمام شود. اما نوروز با خود پیامی بزرگ دارد که هر سال تکرارش می‌کنیم و آن این است که امید داشتن نه یک خواب و خیال‌پیش‌یاftاده، بلکه یکی از بزرگترین مبارزاتی است که هر انسانی در زندگی‌اش می‌تواند برای زیبا کردن آن و به پس‌راندن زشتی‌ها انجام دهد تا زندگی‌اش از بی‌معنایی بیرون بیاید. زندگی سخت است. زندگی و اکنون، گویی برای یک نفس آسوده کشیدن، باید بار همه سنگینی دنیا را بر دوش کشید. گویی، همه شرم دنیا را باید برای خود خرید تا از بی‌شرمی در امان بود. نوروز همان «نامکان» و «نامزانی» است که جهان را به سفره‌ای کوچک بدل می‌کند. تمام زندگی از آغاز تا امروز به چندپاره «سین» به گل و گیاه و میوه و دانه‌ها و خاطرات و عکس‌هایی از آن‌ها که دیگر در میان‌مان نیستند، اما بیشتر از همیشه در قلب‌مان زنده‌اند، کاهش می‌یابد. سفره زندگی؛ سفره جامعه‌ای که چه اجزایش

است، به‌ویژه شر‌هایی که به دست بشر ساخته شده‌اند مانند جنگ‌های جهانی، استبداد، ظلم، ظهور دولت‌های فاشیستی، نازیستی، استالینیستی و... که در آن طی یکی، دو قرن اخیر با وعده بهشت زمینی، برای انسان‌ها دوزخی ساخته‌اند که انسان هر لحظه بیشتر در آن غرق می‌شود و او را در یک خلأ معنایی وحشتناک قرار داده است. در این چارچوب، نوروز به معنی پذیرش دائمی و وجودی خیر و شر در هستی است. در توضیح این نکته باید به این پرسش مهم پاسخ داد که چرا کارویژه نوروز دورسازی اهریمن از جهان هستی به‌طور موقت است؟ موقتی است چون خیر و شر در یک حرکتی چرخشی قرار دارند. در هر چرخ هم عناصر خیر هستند، هم عناصر شر. بنابراین وقتی خیر حاکم می‌شود فقط مهاری است موقت بر شر و وقتی شر حاکم می‌شود مهاری است موقت بر خیر. در این تفسیر گردش طبیعت هستی بی‌شبهت به مفاهیم سیاسی مانند دولت نیست که اغلب با تصویر ژانوسی از آنها مواجهیم. دولت در عین اینکه منشأ بسیاری از خیرهای زندگی مانند نظم، امنیت، رفاه و... است، منشأ بسیاری از محدودیت‌ها، سلب آزادی و حتی ظلم‌هایی است که به انسان می‌شود. در این میان نوروز نیز نقطه عطف مهم این چرخش هستی است که جلوی تخریب هستی را می‌گیرد و به‌واسطه نوشندگی، مهاری بر تداوم شر ایجاد می‌کند.

۴- نوروز در نقطه مقابل آرمانگرایی‌های بی‌ارتباط با واقعیت که می‌خواهند انسان‌ها را رستگار کنند اما خشن‌ترین ظلم‌ها را به آنها می‌کنند و حتی جان‌شان را نیز می‌گیرند، می‌کوشد تا نشان دهد که پیوند خیر و شر امری واقعی است. کنار نهادن شر و وعده دادن جهانی سراسر خیر، آرمان یا سرابی بیش نیست. نوروز مهمترین نشانه هستی در این زمین است. نوروز با نوسازی طبیعی گویی مهار موقت بر زمستانی است که همه رستندگان را متوقف کرده است. موقتاً این حصارها را کنار می‌زند و جهان پُرطراوت می‌شود و همه

